

در «تحقیقات توسعه‌ای» برای کشاورزی فقیریم

نوشته: دکتر سعید رحیمی موقر

انسانی پژوهشگر در سطح دکتراست و در مقطع کارشناسی ارشد نیز فقط حدود ۳ درصد کل نیروی متخصص تحقیقاتی را به خود اختصاص داده است.

استانهای ایلام، بوشهر، هرمزگان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری و لرستان به طور کلی از نیروی انسانی پژوهشگر ارشد بی‌بهره‌اند.

در زمینه نیروی انسانی در سطح دکتر، وضعیت اسفناکتر است و ارقام نشان می‌دهد که ۱۷ استان کشور فاقد تحصیلکرده دکتر در رشته‌های مربوط به کشاورزی هستند.

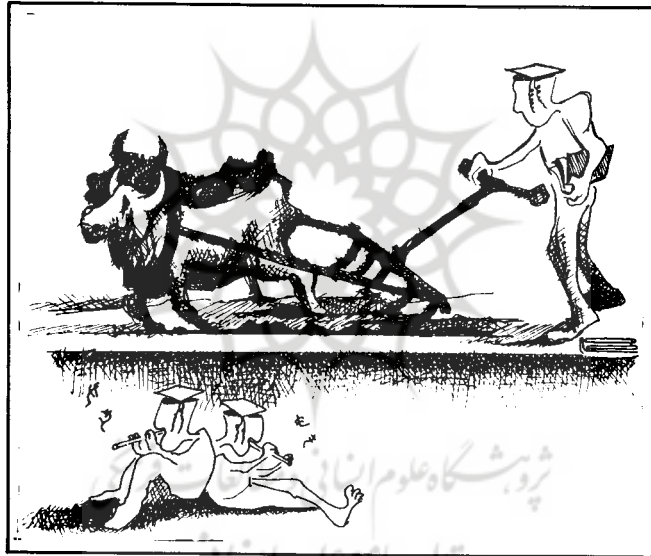
به این ترتیب کادر تخصصی و مهارتی سازمان تحقیقات کشاورزی ما تا بدان حد فقیر است که داشتن انتظار برای دستیابی به یافته‌های جدید علمی کشاورزی را تقریباً بیهوده جلوه می‌دهد. و همین شرایط است که ضرورت تخریب در بافت کارکنان سازمان تحقیقات کشاورزی را امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمایاند، زیرا تا سطح علمی نیروی انسانی موجود از لحاظ کیفی و کمی ارتقاء نیابد فعالیتهای پژوهشی در بخش کشاورزی رونق نخواهد گرفت و انتظار تحول در افزایش کمی و کیفی تولیدات کشاورزی به دشواری امکان‌پذیر خواهد بود.

برای حصول به افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی پژوهشگر، هم‌تراز شدن سطح تخصصی و دانش فنی ما با جوامع پیشرفته در زمینه تحقیقات کشاورزی و سرانجام گسترش تحقیقات توسعه برای دگرگونی بنیادی در نظام تولید کشاورزی، استفاده از تجارب مؤسسات تحقیقاتی بین‌المللی در زمینه یافته‌های تحقیقاتی ضرورتی غیرقابل انکار است. از طرفی باید برای آموزش کارکنان موجود در این بخش، و تخریب در بافت نیروی انسانی تحقیقات کشاورزی اقداماتی بنیادین انجام شود تا این سازمان بتواند مطابق نیازهای بخش، تحرک و پویایی داشته باشد.

کاردانی و مادون تحصیلات کاردانی مجموعاً ۷۵ درصد می‌باشد.

از این قرار بافت غالب نیروی انسانی متخصص در مراکز تحقیقات کشاورزی ما عمدتاً در سطح کارشناسی است و همین پدیده عاملی است که از رونق تحقیقات و دستیابی به یافته‌های جدید علمی در بخش کشاورزی ما می‌کاهد، زیرا کمبود شدید نیروی انسانی در سطوح عالی «تحقیقات توسعه‌ای»، یکی از تنگناهای جدی عصر ما به شمار می‌آید. از طرفی پراکندگی نیروی انسانی متخصص و پژوهشگر

جوامع توسعه یافته نیز به همین دلیل بخش قابل ملاحظه‌ای از سرمایه‌گذارهای خود را به بخش تحقیق و توسعه (R&D) اختصاص داده‌اند تا دسترسی به یافته‌های نو آسان شود، و دست‌آوردهای آن در قلمرو تولید مورد استفاده قرار گیرد. از آن جا که محور اصلی در فعالیتهای کشاورزی «افزایش تولید» محصولات است و این امر از طریق تحقیق و توسعه (R&D) در بخش کشاورزی قابل دسترسی خواهد بود، بنابراین ارتقاء سطح دانش فنی نیروی انسانی متخصص، توسعه مستمر این دانشها، و



تحقیقات در مناطق کشور مطلوب نیست. در واقع کمبود شدید سرمایه انسانی و توزیع ناعادلانه آن در مناطق مختلف کشور سبب شده تا از قابلیت‌ها و امکانات کشاورزی - تحقیقاتی کشور به صورت بهینه و اصولی استفاده نشود. حدود یک‌سوم از کل محققان در استان تهران شاغل هستند و این ناهمگونی در سطوح بالاتر تحصیلی بیشتر هم می‌شود، به نحوی که برابر آمارهای موجود از ۶۱ دارنده مدرک دکتر در بین شاغلین سازمان تحقیقات کشاورزی، ۴۶ نفر در استان تهران فعالیت دارند. در حالی که استان گیلان که یکی از قطب‌های کشاورزی ایران به شمار می‌رود، مطلقاً فاقد نیروی

دستیابی به یافته‌های جدید علمی، نیازمند سرمایه‌گذاری در آموزش کارکنان مراکز تحقیقاتی است. آموزش‌های «تخصصی» و موردی برای پویایی، خلاقیت، نوآوری و کشف و ابداع، از ضرورت‌های اساسی کار مراکز تحقیقاتی است. بررسی و ارزیابی از وضعیت نیروی انسانی متخصص و محقق شاغل در سازمان تحقیقات کشاورزی ایران نشان می‌دهد. عده نیروی انسانی موجود در بخش تحقیقات کشاورزی (اعم از رسمی و غیررسمی) حدود ۱۱۶۴ نفر است که سهم دارندگان تحصیلات دکتر حدود ۵ درصد، کارشناسی ارشد حدود ۲۰ درصد و کارشناسی و

یکی از مؤلفه‌های مهم در توسعه یافتگی جوامع، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&D) است. تجارب جهانی نمایانگر این واقعیت می‌باشد که تحولات عظیم در اقتصاد کشورها ریشه در گسترش و توسعه تحقیقات دارد و در بین بخشهای مختلف اقتصادی، بخش کشاورزی نیز از این فرآیند بی‌بهره نیست. به عنوان نمونه می‌توان به مهندسی ژنتیک اشاره کرد که انقلابی شگرف (فرا تر از انقلاب سبز) در عرصه کشاورزی به وجود آورد و مناسبات و ساختار سنتی کشاورزی را به نحو بی‌سابقه‌ای متحول کرد.

بدون شک این مهم - توسعه کشاورزی - ضرورت «تشکیل سرمایه انسانی» را در بخش‌های تحقیقاتی در اولویت قرار می‌دهد. چرا که از این طریق می‌توان بازدهی تولید را به نحو فزاینده‌ای افزایش داد.

